

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حشمت الله آروین

30.5.29

خدا خانه شیطان را خراب کند!

جلالتمایبان محترم سرمنشی سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشر!

حضرت موسی «ع» جهت عرض و نیاز به حضور خداوند «ج» به کوه طور میرفت. در عرض راه چشمش به دامنه کوهی افتید، که در آنجا پیرمردی زاهد خانه ای خس پوشی را برای خود آباد و همراه با مواشیش زندگی میکرد. حضرت موسی «ع» به طرف دامنه کوه بالا رفت، و به آن مرد زاهد سلام داد. بالمقابل پیرمرد زاهد سلام حضرت موسی «ع» را با علیکم جواب داد. حضرت موسی «ع» گفت این خانه خس پوشی را که در این جا ساخته اید فکر میکنم در هر لحظه از خطر سیل در امان نباشد؟ مرد زاهد گفت یا موسی «ع» تا وقتیکه زنده هستم در این جا سیل نخواهد آمد. باز هم عالم الغیب و قادر مطلق خداوند متعال است. حضرت موسی «ع» بعد از چند لحظه محدود خدا حافظی و به طرف کوه طور حرکت کرد. وقتی به کوه طور رسید با خداوند وارد عرض نیاز شد. در ضمن موضوع خانه خس پوش مرد زاهد را با تفصیل آن شرح داد. خداوند «ج» گفت بلی یا موسی «ع» دوست زاهد من حقیقت را گفته است. تا وقتیکه او زنده است. از خطر سیل در امان میباشد. موسی «ع» به خداوند گفت، یا پروردگار! من که پیغمبر و فرستاده تو هستم. از این موضوع چیزی نمیدانستم اما آن زاهد چطور به این موضوع آگاهی پیدا کرد؟ خداوند گفت آن بنده زاهد دوست من است که در علم نبوغ داشته با فراست موضوع را از قبل درک مینماید. تا وقتیکه او زنده است. در آنجا سیل جاری نمیشود. موسی «ع» به فکر فرو رفت و از حضور خداوند استدعاء نمود، که رسالت پیغمبری او را در نزد آن مرد زاهد حفظ کند. خداوند سخن موسی «ع» را قبول و بالای ابرحکم نمود، آسمان را بپوشاند و بالای باران باریدن را امر کرد. به این اساس خواهش موسی «ع» از جانب پروردگار برآورده شد. حضرت موسی «ع» از کوه طور پائین آمد و به راه افتید. وقتی نزدیک آن کوه شد. دید که اثری از خانه خس پوش آن زاهد به چشم نمیخورد ویران و از بین رفته، و خود زاهد مذکور بالای سنگی نشسته عبادت خداوند را به جا می آورد. موسی «ع» به سرعت به بالای دامنه کوه برآمد. بعد از ادای احترام و سلام از او سؤال کرد. چی شد آن خانه خس پوش شما؟ شخص زاهد گفت. یا موسی «ع» سیل آمد آنرا برد. موسی «ع» گفت. شما گفته بودید تا وقتیکه زنده هستید در اینجا سیل نمی آید. اما چطور شد که دفعتاً سیل آمد آنرا برد؟ پیرمرد زاهد جواب داده گفت:

یا موسی «ع» سخن من درست و به جا بود. اما خدا خانه شیطان را خراب کند.

به همین اساس و استدلال من درمورد زوال ستاره آقای کرزی از مقام ریاست جمهوری افغانستان قبلاً مقاله ای را به مطالعه خوانندگان ارجمند تقدیم و در آن یاد آور شده بودم ، که با آمدن اوباما از حزب دموکرات ها به قصر سفید ستاره کرزی رو به زوال است.

اما خدا خانه ای شیطان را خراب کند .

با زد و بند های سیاسی پشت پرده علی رغم اینکه نمیگذارند ستاره کرزی رو به زوال قرار گیرد، بلکه کوشش میکنند آنرا در اوج حیطة قدرت باز هم استوار نگه دارند. اما به باور بنده در شرایط کنونی باوجود ناکارآمدی و ناکامی کرزی در طی هشت سال حکومت داری آن که اعتراضات نهاد های سیاسی داخلی و خارجی را در عرصه های سیاسی ، نظامی ، اقتصادی ، امنیت ، فساد اداری ، کشت مواد مخدر ، تأمین عدالت اجتماعی و قضائی در قبال داشت . به استثناء از رمضان بشردوست دیگر به سایر کاندیداتورها مطلوب محسوب شده میتواند. و اینرا هم نباید قابل کتمان دانست ، که موجب فساد و گسترش دامنه نا امنی در کشور برادران و تیم کاری وفادار به کرزی بودند و هستند که باعث بد نامی و رکود پیشرفت در عرصه های فوق الذکر در کشور شدند. ممکن است این بارکرزی با وعده و پرداخت تعهدات به جامعه بین المللی چهره نقش آفرین را در ساحه سیاست داخلی و خارجی به نمایش بگذارد. اگر چنین امری را بخواهد با جسارت انجام و به آن فایق شود . لازم است در انهدام زیربنای ساختار هشت سال حکومت خویش دست به انقلاب بزند و از نو در ساختار پایه های حکومت در های مذاکره و مفاهمه را با نهاد های مدنی ، صالح و دموکرات در داخل و خارج از کشور بازنگه دارد. شخصیت و کدر های سیاسی و علمی را در اولویت قرار دهد ، که دست شان در ویرانی و فساد اداری در کشور و به خون ملت مظلوم پیش و بعد از سقوط حکومت داکتر نجیب الله آغشته و آلوده نباشد. اگر چنین اندیشه و صواب دید سیاسی که به واقعیت کشور را از بحران کنونی نجات دهد تحقق یابد، راه بیرون رفت از منجلاب سیاسی هموار شده میتواند. در غیر آن باز هم همان دیگ است و همان کاسه که از بد بدترش توبه.

به تعقیب نامه های متعددی که از طرف بنده روی بحران و اوضاع بغرنج سیاسی افغانستان به نشر رسیده است، در نامه های مذکور از سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشر با مصلحت خواهش به عمل آمده که با تشریک مساعی جمیله ای شان راه بیرون رفت از بحران سیاسی را در افغانستان جست و جو و بیشتر از این نخواهند و اجازه ندهند ، که جنایتکاران زیر چتر اسلام و به نام جهاد اسلام را لطمه بزنند و ملت مظلوم افغانستان و سربازان نیرو های ائتلاف که همه بشرو انسان هستند ، بی موجب وبدون هیچ نوع مجوز حقوقی و انسانی به منظور رسیدن بر فراز قله های اهداف استعمار به سرمداری حکومت پاکستان و برخی کشورهای دیگر که خود را در عقب پرده پنهان نموده اند ، قربانی شوند. گرچه به این مسایل زیاد تکرار و یاد آوری به عمل آمده ، که پاکستان عامل دهشت افگنی در طی سه دهه بوده ، و مستهجن ترین جنایت بشری را در منطقه و سطح بین المللی مذبحخانه مرتکب و به تداوم آن هنوز هم ادامه میدهد. با وجود مشارکت و تشریک مساعی سازمان ملل متحد و جامعه جهانی در مبارزه با تروریسم فهمیده و درک نشد، که سر نخ این بحران و تشتت سیاسی در گجا گره خورده ، و مسؤول آن کی بوده میتواند؟

که موانع را برای رسیدن به یک راه حل سیاسی از بحران ناهنجار به وجود آورده است ؟

منتقدین امور سیاسی داخلی و خارجی حتی مقامات بلند پایه امریکا نیز اذعان نموده اند، که مسؤول همه این جنایات بشری در منطقه و جهان حکومت و آی اس آی پاکستان است . چنانچه در گزارش ماه جاری واشنگتن تایمز و کالفرنیا تایمز احمد رشید نویسنده ، ژورنالیست و تحلیلگر شناخته شده پاکستان در منطقه آمده است . پاکستان در مبارزه با تروریسم علاوه بر اینکه صادقانه عمل نمیکند، بلکه رهبران تروریست ها را از مناطق قبایلی جنگ زده و نا امن که عملیات نیروی های نظامی علیه شورشیان وفادار به آنها آغاز یافته در خفا در فرار مصون آنها به جای امن همکاری میکند. اما

اینکه تا کنون سازمان ملل متحد و دیگر کشورها عکس العمل قاطع را برای تقبیح و سرزنش پاکستان نشان نداده اند؟ سؤال خلق میشود، که در زیرکانه نیم کاسه استعمار وجود دارد. برای پرداخت روی نمایی آن تا زمان موعد میلیونها انسان بیگناه و بی دفاع باید جان هایشان را قربانی بدهند.

در همین رابطه قصه ای به یاد آمد که یک قسمت آنرا خلاصه به عرض میرسانم.

شخصی که از داستان هذا هدف و موضوع آن استدلال شده میتواند در نیمه شب وارد بام خانه پادشاه شد. ضربات پای آن روی بام، پادشاه را از خواب بیدار کرد. پادشاه صدا کرد و گفت کیست در این نیمه شب بالای بام پادشاه؟ شخص مذکور جواب داد و گفت، من هستم. پادشاه گفت میدانم که تو هستی مگر چه کار داری که در این نیمه شب وارد بام خانه من شده اید؟ مرد مذکور گفت. من شترم را گم کرده ام و او را جست و جو میکنم. پادشاه گفت شترت را در کجا گم کرده ای، که آنرا در بام خانه من جستجو میکنید؟ مرد مذکور گفت صاحب آنرا در بیابان گم کرده ام. پادشاه گفت: شتر گم کرده ای اندر بیابان، شتر پالی کنی در قصر شاهان؟

بنا به همین استدلال اگر هدف امریکا و جامعه جهانی برای جستجوی تروریستان باشد. لازم است که ناتو، طالبان و القاعده را در داخل خاک پاکستان پیگیری و تعقیب کنند. نسبت به اینکه در داخل افغانستان به تماشای آنها بپردازند، که چه وقت حملات دهشت افگنان آغاز میشود. از جانب دیگر عملیات قوای ناتو علیه تروریستان بیشتر شکل نمایشی و خویشتنداری را به خود دارد. به عوض آنکه دهشت افگنان را بمبارد کنند. مردمان ملکی و غیر نظامی را بمبارد میکنند. و هیچگاه منطقاً از درایت و تکنیک های نظامی و سیاسی استفاده معقول صورت نمیگیرد. به قول معروف: دزد را رها و بز را لت و کوب میکنند. من در نوشته های قبلی خویش خاطر نشان نموده بودم، که پاکستان جزء اقمار امریکا و عضو پکت بغداد یا سینتو است، که منافع امریکا را در منطقه در نظر داشته روی همین هدف و منظور امریکا علی رغم آنکه جرأت داخل شدن به خاک پاکستان را نمیکند، بلکه هیچوقت ناز و کرشمه پاکستان را بی جواب نمانده و هنوز هم با اعطاء دالر به تداوم این پروسه به عناوین مختلف کمک های مالی و تخنیکی را به منظور تشویق و ترغیب جنایت به آنکشور سرازیر و رحجان می بخشند. تا فرصت مناسب به فعالیت حملات تروریستان از داخل خاک پاکستان داده شود.

تداوم و شدت حملات تروریستان که خود را در زیر چتر اسلام برای نابودی و بدنام کردن اسلام جا و قرار داده اند. امنیت و اعتماد احساسات پاک و نیک مسلمانان جهان به خصوص افغانها را در انظار کشورهای غرب، خدشه دار و مورد حس بد بینی و انزجار قرار داده است. رابطه و برخورد نا آگاهان امور سیاسی در ازماء مهاجرین و پناهنده های افغان در غرب به گونه ایست که به چشم یک تروریست به آنها نگاه میشود. به خصوص اولاد افغانهایی که در مکاتب تحصیل و درس میخوانند، در جمع و همقطارانیشان به نام مسلمان اندیشه تروریستی را در آنها استدلال میکنند. تحمل اینگونه اتهامات درد منشانه برای مسلمانان، با ظهور تروریست ها که اسلام را به نام تروریست میان فرهنگیان و نهاد های جامعه مدنی طرفدار به صلح در منطقه و جهان معرفی نموده غیر قابل قبول است. اما قضاوت آگاهان امور سیاسی در سطح بین المللی اینطور نیست. پدیده شوم تروریسم را حاصل زحمات استعمار میدانند. در این راه از طرف سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشر برای روشن ساختن اذهان عامه در سطح بین المللی کارهای مؤثری باید صورت بگیرد، که اسلام یا مسلمانان تروریست و دهشت افگن نیستند. این تروریستها صرف به منظور حمایت اهداف سیاسی استعمار خود را در زیر چتر اسلام جا داده اند. اسلام و پیروان آن هر نوع اعمال جنایتکارانه را که هیچگاه مجوز اسلامی و انسانی ندارد به شدت تقبیح و محکوم کرده و میکند. برای بیرون رفتن از اشتباه و وارد شدن به اصل واقعیت آنهاییکه اسلام را غلط درک و استدلال نموده اند. سازمان ملل متحد و سازمان دفاع از حقوق بشر و نهاد های حقوقی برنامه تدریس،

آموختن، تفهیم و شعور سیاسی را در افکارنا آگاهان که تا کنون اسلام را دشمن خویش استدلال نموده اند روی دست بگیرند تا لکه بدنامی را از صفحات سیاست های تفرقه بینداز و حکومت کن ، بردارند.

یادداشت:

ایکاش همکار عزیز ما آقای "آروین" مرکز ثقل توجه خویش را حالت مستعمراتی افغانستان قرار میدادند تا نه اتخاذ سیاست های ضد انسانی دموکراتهای امریکا دیروز و امروز مایه تأثر شان می گردید و نه هم فردا از بابت رمضان بشر دوست چنان حالتی در انتظار شان می بود.